Urmia University

Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Vol. 1, No. 1, Spring 2025

Online ISSN: 3060-7515
https://jispll.urmia.ac.ir/

Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature

Respecting the image of beloved in Shahriar's poetry based on Brown and Levinson's communication theory

Pegah Mahmoudi [1] and Shokoofe Khalasizadeh[2]

1- Ph.D. in Persian Language and Literature, Researcher Author.
2- A Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Received:
2023/12/05
Accepted:
2024/09/22
pp:
76- 86

Keywords:
Adab,
Brown, and Lewinson,
Sonnet of Shahriar,
Communication theory,
Audience face.

ABSTRACT

From the point of view of Brown and Levinson, politeness in the discourse context of the language indicates the social position of the speaker and the level of relationship between him and the audience, so politeness can be considered a part of the linguistic action of the speaker in the structure of the language, including the Persian language. In this essay, the writer attempts to discuss and analyze the strategy of romantic words in Shahriars lyrical poetry by using Brown and Levinson's functionalism theory and analyze the type of verbal relationship between lover and beloved from this point of view. In terms of methodology, the upcoming research is of a descriptive-analytical type, based on the analysis of lyrical dialogue. Shahriar intends to directly address the lover with internal language and address the lover and talk to him. The results of the research and the findings of this study indicate that Shahryar used the mechanism of audience face and respect for politeness according to the theory of Brown and Lewinson when proposing his proposal to his lover talking to him, complaining about hijran. He tries to prove the exalted position of the beloved in his words by paying attention to various aspects.

Citation: Mahmoudi, P., & Khalasizadeh, S. (2025). Respecting the image of beloved in Shahriar's poetry based on Brown and Levinson's communication theory. *Journal of Interdisciplinary Studies of Persian Language and Literature*, 1(1), 76-86.

© The Author(s).

Publisher: Urmia Univertsity.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121536

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.1.6.1

[1] **Corresponding author:** Pegah Mahmoodi, **Email:** mahmoodi.pegah@gmail.com

نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

شاپا الکترونیکی: ۷۵۱۵-۳۰۶۰

https://jispll.urmia.ac.ir/

رعایت وجهۀ معشوق در غزلیّات شهریار بر مبنای نظریۀ ارتباطی براون و لوینسون

پگاه محمودی [۱] و شکوفه خالصی‌زاده [۲]

۱- دکترای زبان و ادبیات فارسی، نویسنده پژوهشگر.

۲- دانشجوی زبان و ادبیات فراسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۴

پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۰۱

صص:
۸۶- ۷۶

واژگان کلیدی:
ادب،
براون و لوینسون،
غزل شهریار،
نظریۀ ارتباطی،
وجهۀ مخاطب.

چکیده

از دیدگاه براون و لوینسون، رعایت ادب در بافت گفتمانی زبان نشانگر جایگاه اجتماعی گوینده و سطح رابطۀ میان وی با مخاطب است به‌گونه‌ای که می‌توان رعایت ادب را بخشی از کنش زبانی گوینده در ساختار زبان از جمله زبان فارسی به‌شمار آورد. در این جستار تلاش نگارنده بر آن است تا با بهره‌گیری از نظریۀ کاربردشناسی براون و لوینسون، استراتژی کلام عاشقانه را در غزلیات شهریار مورد بحث و بررسی قراردهد و نوع رابطۀ کلامی عاشق با معشوق را از این منظر واکاوی و تحلیل نماید. پژوهش پیش‌رو به لحاظ روش‌شناسی از نوع توصیفی ـ تحلیلی بر مبنای بررسی غزلیات گفت‌وگو محوری است که در آن شهریار با واگویه‌های درونی یا مخاطب قرار دادن معشوق و گفت‌وگو با وی به‌صورت مستقیم قصد دارد معشوق را مخاطب قرار دهد. نتایج پژوهش و یافته‌های حاصل از این بررسی حاکی از آن است که شهریار در هنگام طرح خواستۀ خویش با معشوق، گفتگو با وی، شکایت و گله‌مندی از هجران از ساز و کار وجهۀ مخاطب و رعایت ادب بر طبق نظریۀ براون و لوینسون بهره گرفته است و تلاش می‌کند تا با توجّه به جنبه‌های گوناگون، والا بودن جایگاه معشوق را در کلام خویش به اثبات برساند.

استناد: محمودی، پگاه؛ و خالصی‌زاده، شکوفه. (۱۴۰۴). رعایت وجهۀ معشوق در غزلیّات شهریار بر مبنای نظریۀ ارتباطی براون و لوینسون. *نشریه مطالعات میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی*، ۱(۱)، ۸۶-۷۶.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه ارومیه.

DOI: https://doi.org/10.30466/jispll.2024.121536

DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.30607515.1403.1.1.6.1

[۱] **نویسنده مسئول:** پگاه محمودی، **پست الکترونیکی:** mahmoodi.pegah@gmail.com

۱– مقدمه

براون و لوینسون[1]در سال ۱۹۸۷ برای نخستین بار نظریّه «ادب‌مندی» را مطرح نمودند. واژۀ ادب از جمله واژه‌های بحث برانگیز و پر از مناقشه‌ای است که هنوز بعد از گذشتن چندین دهه بر سر تعریف آن از نظر علمی میان محققان و پژوهشگران اتفاق‌نظر وجود ندارد. اما بر طبق نظریۀ براون و لوینسون که البته ریشه در نظریّه‌ای به نام نظریّه «وجهه» از گافمن[2]دارد و هر رفتاری که وجهۀ مخاطب را هدف قرار دهد، بی‌ادبانه است و هر رفتاری که در راستای تلاش جهت حفظ وجهه مخاطب باشد، رفتار مؤدبانه به حساب می‌آید (ر.ک. رحمانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۸). از دیدگاه براون و لوینسون، رعایت ادب در بافت گفتمانی زبان نشانگر جایگاه اجتماعی گوینده و سطح رابطۀ میان وی با مخاطب است به گونه‌ای که می‌توان رعایت ادب را بخشی از کنش زبانی گوینده در ساختار زبان از جمله زبان فارسی به شمار آورد.

۱- ۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

در زبان فارسی ادب دارای نمود کلامی است و به ویژه در شعر فارسی از دیرباز عاشق با رعایت جوانب ادب و احترام کلامی که نمود آنها در واژه‌ها و عبارات می‌تواند هویدا شود، با معشوق در ارتباط بوده است. از لوازم زبان مؤدبانه، رعایت عفت کلام است. از خصوصیات برجستۀ کلام شهریار، شیوۀ کلام عفیف و مؤدبانۀ وی است و جز در موارد بسیار معدودی که از جفای معشوق گله‌مند است زبان درشت و ناهموار را به کار نمی‌گیرد. میانه‌روی و حسن سلوک و نظر وی تا بدانجاست که در سخن گفتن از معشوق جفاکار همواره جوانب ادب را نگاه می‌دارد و سعی می‌کند با احترام به معشوق و وجهۀ او با وی گفت‌وگو نماید. در این پژوهش تلاش می‌شود تا برخی از برجسته‌ترین کارکردهای ارتباطی و رعایت ادب در کلام شهریار از منظر استراتژی زبانی ادب در نظریّۀ براون و لوینسون مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. بر این مبنا پرسش اصلی پژوهش پیش رو آن است که میزان رعایت ادب‌مندی کلام شهریار نسبت به معشوق چگونه است؟ روش پژوهش در این بررسی از نوع مطالعات اسنادی، توصیفی ـ تحلیلی و کتابخانه‌ای است. جهت تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از ابزار دانش جامعه‌شناسی یعنی نظریۀ ادب «براون» و «لوینسون» (۱۹۸۷) بهره گرفته‌ایم. در جستار پیش‌رو به‌منظور دست یافتن به داده‌های پژوهش، به شیوۀ سامانمند و انتخابی، غزلیّات عاشقانۀ شهریار را که در آن شاعر به نوعی با معشوق صحبت کرده و وی را مورد خطاب قرار داده است، بررسی و تحلیل نموده و جهت پرهیز از اطالۀ کلام تنها به ذکر برخی از شواهد اکتفا کرده‌ایم.

۱- ۲- اهداف و ضرورت تحقیق

پژوهش حاضر در عرصۀ ادبیّات از راهبردهای ادب و بی‌ادبی استفاده می‌کند و قصد دارد رابطۀ عاشق با معشوق را با توجّه به راهبرد براون و لوینسون بررسی نماید. علّت انتخاب غزلیّات شهریار آن است که شهریار از جمله شعرای طراز اول غزلیّات معاصر ایران است که در گفتمان عاشقانه و غنایی عصر حاضر از جایگاه اجتماعی و ادبی بالایی برخوردار است. نگارندگان در این جستار با هدف کشف مؤلفه‌های ادب‌مندی در غزلیّات عاشقانه استاد شهریار می‌کوشند تا موضوع «رعایت وجهۀ معشوق» در کلام این شاعر غزلسرای برجستۀ معاصر را با توجّه به نظریۀ یاد شده مورد مداقّه و واکاوی قرار دهند.

۱- ۳- پیشینۀ تحقیق

با توجّه به بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهشی که به بحث و بررسی پیرامون جنبه‌های ارتباطی عاشق و معشوق در غزلیّات و اشعار شهریار از دیدگاه نظریۀ زبانشناسی براون و لوینسون پرداخته باشد، منتشر نشده است و لذا پژوهش پیش‌رو از این جنبه فاقد پیشینۀ علمی و مستند است. اما در خصوص نظریّه ادب‌مندی و بررسی دیدگاه‌های ارتباطی براون و لوینسون تاکنون در حوزه‌های مختلف، تحقیقات علمی منتشر شده است از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های اخیر اشاره نمود:

آذر پرند (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «**تغییرات راهبرد زبانی خطاب بر اساس نظریۀ ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی: مطالعۀ موردی دانشگاه تهران**» با بررسی‌های میدانی میان ۲۰۰ استاد با ردۀ سنی ۲۹ تا ۶۹ سال و ۲۰۰ دانشجوی کارشناسی ردۀ سنی ۱۸ تا ۲۵ سال نتیجه گرفته است که در فضای دانشگاه، ادب مثبت به تدریج در

[1] Brown and Levinson
[2] Goffman

حال افزایش و پیشی گرفتن از ادب منفی در مباحث کنشی زبان است. عرب یوسف‌آبادی و ساری (۱۳۹۸) در مقالهٔ «**ادب‌مندی در مقالات شمس و فیه ما فیه**» به این نکته دست یافته‌اند که با توجّه به نظریهٔ براون و لوینسون، ادب‌مندی کلام در کتاب فیه ما فیه از مقالات شمس بیشتر است. خدایی‌مقدم و دیگران (۱۳۹۶) در مقالهٔ «**توصیف و تحلیل چند واژهٔ مؤدبانه و کارکرد آنها در زبان فارسی در چارچوب نظریهٔ ادب براون و لوینسون**» نشان داده‌اند که فارسی‌زبانان گفتار مؤدبانه را تنها برای انجام کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجهه به کار نمی‌برند بلکه آن را در راستای تقویت و حفظ احترام و وجههٔ دیگران نیز استفاده می‌نمایند. زارعی‌فرد و بیگلری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «**بررسی نظام‌ها و نشانگرهای خطاب در نهج‌البلاغه بر اساس رویکرد براون و لوینسون ۱۹۸۷**»، به این نتیجه رسیده‌اند که نشانگر خطاب و در نهج‌البلاغه با نظریّه براون و لوینسون مطابقت دارد. غضنفری (۱۳۸۷) در مقالهٔ «**جلوه‌هایی از بازتاب اصول ادب در تاریخ بیهقی**» به این نتیجه رسیده است که فروتنی بیهقی سبب کاربرد گونه‌های فعلی و عبارت‌های اسمی خاصی در تاریخ بیهقی شده است.

در حوزهٔ مطالعات شهریارپژوهی می‌توان به کتاب «**مرغ بهشتی؛ زندگی و شعر محمدحسین بهجت تبریزی**» اثر مشرف (۱۳۸۲) اشاره نمود که در این کتاب نویسنده آگاهی‌های مفید و ارزشمندی پیرامون عشق و نقش آن در زندگی شهریار به علاوه مطالبی در خصوص زندگی فردی و اجتماعی شاعر را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. نصراللهی و رمضانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «**بثّ الشکوی در شعر شهریار**» به تحلیل و واکاوی انواع گلایه‌هایی که در دیوان شهریار آمده است پرداخته‌اند و ارتباط این گلایه‌ها را با شکست عاطفی شاعر و حوادث و رخدادهایی از زندگی خصوصی و فردی وی مورد تحلیل و واکاوی قرار داده‌اند. احمدزاده و روشنفکر (۱۳۹۲) در مقالهٔ «**واکاوی روانشناختی مضامین مشترک در اشعار سید قطب و دیوان ترکی شهریار**» تأثیر دوران کودکی، مرگ عزیزان، شکست عاطفی، پیری و... را در سازوکارهای دفاعی و روحی شاعر از منظر اشعار ترکی وی بررسی نموده‌اند. نوروزی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان « **در شهر خیال شهریار**» به بررسی صورخیال و تصویرپردازی در شعر شهریار پرداخته است. خانیانی و جوادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «**بررسی ابعاد مردم‌شناسی ادبی در اشعار شهریار**»، شعر شهریار را از جهت الگوهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران مورد واکاوی قرار داده‌اند. آریان (۱۳۸۸) در مقالهٔ دیگر با عنوان « **بازتاب مبانی سیر و سلوک و عرفان در شعر شهریار**» گرایشات عرفانی این شاعر را تحلیل و واکاوی نموده است. صدری‌نیا (۱۳۸۲)، در مقالهٔ « **جلوه‌های رمانتیسم در شعر شهریار**» به تأثیرپذیری شهریار از اصول و آموزه‌های مکتب رمانتیسم فرانسه پرداخته است. مشتاق مهر (۱۳۸۵) در مقالهٔ «**جنبهٔ انسانی و جهانی شعر شهریار**» به برخی از حوادث تأثیرگذار از جنبهٔ اجتماعی در شعر شهریار توجّه نموده است.

۲– بحث و یافته‌های تحقیق

از اوایل دههٔ ۱۹۷۰ میلادی پژوهش‌های متفاوتی در خصوص نظریهٔ ارتباطی و ادب‌مندی ارائه شد که از میان آنها می‌توان به سه نظریهٔ برجسته از لیکاف (۱۹۷۵)، براون و لوینسون (۱۹۸۷) و نظریهٔ لیچ (۱۹۸۲) اشاره کرد. این سه نظریهٔ برجسته از جمله نظریّه براون و لوینسون «ادب» را یکی از شروط اصلی بهره‌گیری از زبان می‌دانند و با تأکید بر این نکته که ادب جزو ذات زبان است و یک عنصر فراگیر و جامع در تمامی زبان‌های دنیا به‌شمار می‌آید، راهبردها و قوانین حاکم بر نظام زبانی از دیدگاه رعایت ادب و «ادب‌مندی» مطرح نمودند. «براون و لوینسون معتقدند زمانی که شخصی با دیگران ارتباط کلامی برقرار می‌کند، احتمال دارد برحسب نوع رفتار زبانی که انتخاب می‌کند وجههٔ[1] مخاطب را به خطر بیندازد. آنها چنین رفتار زبانی را کنش تهدیدکنندهٔ وجهه[2] نامیده‌اند. به علاوه در این نظریّه، ادب [در] دو وجهه تعریف شده است: وجههٔ مثبت[3] و وجههٔ منفی[4] در وجههٔ مثبت شخص تمایل

[1] Face
[2] Face threatening act (FTA)
[3] Positive Face
[4] Negativ Face

دارد تا در گروه پذیرفته شود، برون‌گراست، دوست دارد ارزیابی دیگران در موردش مثبت باشد، لذا ملاحظاتی مانند ابزار علاقه و صمیّمت و صدا زدن مخاطب با اسم کوچک و... را مدّ نظر دارد. در مقابل در وجهۀ منفی ملاحظاتی مانند صدا زدن مخاطب با نام خانوادگی حتی پس از چند سال آشنایی، استفاده از بیان رسمی، عدم استفاده از بیان‌های رسمی صریح، استفاده از تلطیف کننده‌ها و ابزار فروتنی نسبت به مخاطب به دلیل درون‌گرا بودن و اینکه شخص تمایل ندارد کسی وارد دنیایش شود مدّنظر قرار می‌گیرد» (آذرپرند، ۱۳۹۸: ۸۷). در تمامی موقعیّت‌های کنشی، رفتاری و بافت سخن همواره صورت ادب‌مند وجود ندارد، بلکه ممکن است بنا به متغیرهای متفاوت، صورت‌های کلام مؤدبانه دچار تغییر و تحوّل شود. «زبانشناسان متغیرهای ادب‌مندی زبان را ذیل سه عاملِ طرفین گفت‌وگو شامل جنسیّت، سن، قدرت و پایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب بررسی می‌کنند» (عرب یوسف‌آبادی و ساری، ۱۳۹۸: ۵۰).

۲- ۱- اهمّیّت مطالعات میان‌رشته‌ای

یکی از شیوه‌ها و ابزارهای علمی که در ترقی و پیشرفت مطالعات علمی به‌ویژه در عرصه مطالعات علوم انسانی نقش ارزنده و اساسی دارد، بررسی‌های میان رشته‌ای است. «مطالعات میان‌رشته‌ای از مباحث جدید و نو در علم محسوب می‌شود که برآیند پیچیدگی مسائل و غیر خطی بودن روابط و مناسبات اجتماعی میان حوزه‌های مختلف معرفت است که شناخت آنها از طریق روش‌های مطالعاتی منفرد سخت و دشوار است» (درزی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۷). امروزه دانش و مطالعات میان‌رشته‌ای و توجّه به آن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر در بسیاری از رشته‌ها از جمله مطالعات ادبی است. شکوفایی، رشد و توسعۀ مطالعات میان‌رشته‌ای و توجّه به نقد زبانشناختی در ادبیّات را می‌توان به آغاز قرن نوزدهم مربوط دانست. زمانی که فردینان دو سوسور[1] زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی (۱۸۵۷ ـ ۱۹۱۳ م) با نگرش به ساختمان زبان به‌عنوان اصل بنیادین در زبانشناسی و نقد ادبی، مطالعات جدی را پیرامون مسئلۀ زبان آغاز کرد، پس از آن در نقد نوین و نقد ادبی معاصر بسیاری از نظریّه‌های روانشناسانه، زبانشناسی، جامعه‌شناسی و... جای خود را در مطالعات ادبی باز کرد. با توجّه به آنچه که ذکر شد، در ادامه به بررسی شیوه‌ها و شگردهای تعامل گفتاری و کلامی شهریار با معشوق و بازتاب میزان و مصادیق ادب در غزلیّات وی می‌پردازیم.

۲-۲- نظریۀ ادب براون و لوینسون

الگوی ادب از سوی براون و لوینسون در سال ۱۹۷۸ مطرح شد. «براون و لوینسون بر مفهومی به نام «وجهه» متمرکز شدند که نیاز به حفظ آن در افراد، در دو حالت نمایان می‌شود؛ وجهه منفی که عبارت است از خواسته هر عضو بالغ با توانش زبانی مبنی بر اینکه دیگران مانع اعمال وی نشوند و وجهه مثبت خواسته افراد مبنی بر اینکه خواسته‌هایش برای دستکم بعضی از افراد مطلوب باشد» (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۲). ادب در وجهۀ منفی شامل «بیان غیرمستقیم متداول، پرسش، بدبین بودن، به حداقل رساندن احترام، سکوت، طعنه، تحقیر، خوار شمردن» (همان: ۷۳). ادب در وجهۀ مثبت به معنای اهمّیّت دادن به وجهۀ طرف مقابل است. براون و لوینسون معتقدند که رعایت ادب در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع ضروری است. این نظریّه حول سه محور عمده می‌گردد: ۱ـ وجهه ۲ـ کنش‌های تهدید وجهه ۳ـ راهبردهای ادب (ر.ک. Brown and Levinson,1987:72).

از نظر براون و لوینسون هر شخصی دو وجهه دارد. در وجهۀ مثبت تمایل شخصی به نکوداشت و احترام در هنگام ارتباط است و وجهۀ منفی را میل شخص به رهایی از اجبارها و رفتارهای تحمیلی می‌دانند (همان: ۸۴).

۲-۳- حفظ وجهه یا جایگاه معشوق

وجهه به معنای هویت، موقعیّت اجتماعی و جایگاه است «وجهه به دو دستۀ ایجابی و سلبی تقسیم می‌شود. وجهۀ ایجابی [خودمانی] یک فرد عبارت از نیاز اوست مبنی بر اینکه دیگران وی را بپذیرند و به‌عنوان جزئی از خویشتن بدانند؛ ولی وجهۀ سلبی [رسمی] یک فرد، حکایت از نیازی دارد که فرد به استقلال و لحاظ کردن جایگاه اجتماعی‌اش دارد» (یول، ۱۳۸۹: ۸۲). به مثال‌هایی از غزلیّات شهریار در ارتباط با معشوق توجّه می‌نماییم:

[1] Ferdinandee Saussure

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر میخواستی حالا چرا
(شهریار، ۱۳۷۸: ۷۹)

چنانکه از مثال ذکر شده برمی‌آید در این عبارت یک کنش وجهه یا جهت‌گیری وجهه از نوع ایجابی (خودمانی) وجود دارد که در آن عاشق سعی دارد خود را به‌عنوان جزئی از معشوق و وجود او معرفی نماید و با بیانی غیررسمی او را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ حال نمونه‌ای از وجه سلبی (رسمی):

جانان سری به دلشدگانش نمی‌زند جان بر لب است عاشق چشم انتظار را
برخیز بیش از این نتوان بار غم کشید ما می‌رویم بلکه بیاریم یار را
(همان: ۸۰)

چنانکه مشخص است جملهٔ اول حکایت از یک نوع روابط و کنش صمیمانه میان متکلم و مخاطب است. به باور براون و لوینسون اگر فردی در هنگام خطاب از عبارات و کلماتی بهره گیرد که تعریف نامناسب از هویت مخاطب را با خود دنبال داشته باشد، در این حالت به وجههٔ رسمی و سلبی او لطمه وارد کرده است(Brown and Levinson,1987:65). شهریار از هر دو نوع گفت‌وگوی ادب سلبی و ادب ایجابی برای ارتباط با معشوق بهره گرفته است؛ شاید بتوان دلیل این رفتار دوگانه را در نحوهٔ تعامل معشوق با شاعر دانست. بر طبق نظریّهٔ براون و لوینسون، در هنگام گفت‌وگو در خصوص راهبردهای ادب سه عامل حائز اهمّیّت است؛ نخست فاصلهٔ اجتماعی طرفین تعامل، دوم رابطهٔ قدرت میان آنها و سوم درجهٔ اجبار کنش (همان). نوع اول شامل گفتار صریح و مستقیم است، نوع دوم راهبرد ادب‌ورزی ایجابی و سوم نوع ادب‌ورزی سلبی. در راهبرد گفتار صریح و مستقیم، گوینده خواستهٔ خود را به صورت مستقیم مطرح می‌کند و به خدشه‌دار شدن وجهه و شأن طرف مقابل نمی‌اندیشد. این حالت غالباً در یک رابطهٔ دوستانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه شهریار به معشوق می‌گوید:

خطّی نمی‌نویسی و یادی نمی‌کنی شمعی فرست عاشق شب زنده‌دار را
(شهریار، ۱۳۷۸: ۸۰)

دست نوازشی به سر و گوش من بکش سازی شدم که شور و نوایی بخوانمت
(همان: ۱۴۷)

ادب‌ورزی ایجابی، در میان افرادی به کار می‌رود که با هم به صورت کاملی آشنا هستند و تلاش می‌کنند از خدشه وارد کردن به وجههٔ یکدیگر خودداری کنند. به عنوان نمونه کاربرد قیدهایی که ترحم برانگیز یا حالت خواهشی دارند از این نوع است:

یا رب این شاخ گل از شش جهتش دار نگاه این دعا کردم و از شش جهت آمین آمد
(همان: ۱۱۹)

در مثال یاد شده، با استفاده از راهکار دعا و تمنّا در شبه جملهٔ دعایی «یا رب» از اعمال تهدیدکنندهٔ وجهه دوری شده است. سومین نوع، ادب‌ورزی سلبی و رسمی است که میان افرادی به کار می‌رود که رابطه‌ای رسمی دارند؛ خواهش و تمنّای عاشق نسبت به معشوق در این ابیات از نوع ادب‌ورزی سلبی و رسمی است. به‌عنوان نمونه ادب‌ورزی عاشق در بارگاه عشق:

برون رو از خود و آنگه درون میکده آی که خرهه‌ها همه اینجا به رهن باده نهند
کلاه بفکن و بر خاک نه سر نخوت که مهر و ماه بر این در سران بی‌کلهند
(همان: ۲۲۶)

۲- ٤- بیان به شیوهٔ ادب مثبت

در این روش گوینده با برون‌گرایی و صمیمیت به ارتباط کلامی دست می‌زند. به عنوان نمونه، گوینده یکی از استراتژی‌های صمیمیت را در کلام به کار می‌برد: مثلاً در جمع دوستان و زمان تعارف چیزی اعم از غذا، میوه و... می‌گوید «می‌زنی؟» (ر.ک. آذرپرند، ۱۳۹۸: ۵۸). نمونه‌هایی از این احساس صمیمیت و بیان غیررسمی در کلام شهریار:

گاهی گر از ملالت محبت برانمت دوری چنان مکن به شیون بخوانمت
ای غنچهٔ گلی که لب از خنده بسته‌ای بازآ که چون صبا به دمی بشکافمت

(شهریار، ۱۳۷۸: ۵۶)

خطی نمی‌نویسی و یادی نمی‌کنی شمعی فرست عاشق شب زنده‌دار را

(همان: ۱۰۹)

البته به نظر می‌رسد این دست نمونه‌ها و گفت‌وگوی غیر رسمی چندان در غزلیّات شهریار مورد توجّه قرار نگرفته است، گرچه معروف‌ترین نمونه، شعر (آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا) از شاعر است.

۲- ۵- گفت‌وگوی آمرانهٔ شهریار با معشوق

این راهبرد بیان مستقیم وبی‌پروا و صریح[1]عاشق با معشوق است. این شیوه زمانی استفاده می‌شود که احتمال تهدید وجههٔ احترام‌آمیز مخاطب کم است. به‌عنوان مثال زمانی که دو نفر دوست با یکدیگر به صورت صمیمی گفت‌وگو می‌کنند و در فضای صمیمی گوینده به شخص مخاطب می‌گوید «چایی بخور» در این مثال که فعل امر به‌عنوان دستوری برای انجام کاری به‌صورت بی‌واسطه از پیام‌رسان به پیام‌گیر (گیرنده) ارسال می‌شود، معمولاً پیام‌رسان از جایگاه و مرتبهٔ بالایی برخوردار است که به خود اجازه می‌دهد به شخص پایین‌تر از خویش دستور بدهد. «اگر این رابطهٔ فرادست و فرودست از دو طرف پیام، به‌ویژه پیام‌گیر پذیرفته نشود، به‌عنوان کنش تهدیدآفرین در قبال وجههٔ مستقل مخاطب محسوب می‌گردد» (مقدسی‌نیا و سلطانی، ۱۳۹۳: ۲۲۲ ـ ۲۲۱). در اغلب مثال‌هایی که شهریار در آن به معشوق امر می‌کند «کنش تهدیدآفرین» را می‌توان مشاهده نمود. کنش تهدیدآفرین زمانی است که معشوق رابطهٔ فرادست را نپذیرد.

دامن بکش به ناز که هجران کشیده‌ام نازم بکش که ناز رقیبان کشیده‌ام

(شهریار، ۱۳۷۸: ۲۸۹)

در این بیت پیام‌گیر، مقام بالاتری از پیام‌رسان (گوینده / شاعر) دارد و از این رو دستوری که پیام‌رسان به وی می‌دهد، لازم‌الاجرا نیست و از سوی پیام‌گیر (معشوق) پذیرفتنی نمی‌باشد. ارتباط یاد شده را به این شیوه می‌توان ترسیم نمود:

ادب مثبت ← کنش زبانی امری ← عدم انجام کنش

برو ای تُرک که ترک تو ستمگر کردم حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم

(همان: ۱۲۵۷)

در این مثال نیز از آنجا که معشوق در مقام بالاتری نسبت به عاشق خود قرار دارد، امر از نوع تهدیدکنندهٔ وجهه است و دستور پیام‌رسان پذیرفتنی نیست. نمونه‌مثال‌هایی دیگر:

به چشمک این همه مژگان به هم مزن که این دو فتنه به هم می‌زنند دنیا را

(همان: ۷۸)

[1] Without regressive action, baldly

بازآمدی ای شمع که با جمع نسازی بنشین و به پروانه بده سوز و گدازت

(همان: ۱۲۴)

جدول ۱- گفت‌وگوی آمرانه[1]

شاهد مثال	پیام‌رسان	پیام‌گیر	رعایت وجهه	صفحه
هر ناله‌ای که داری بکن ای عاشق شیدا	عاشق ↑	عاشق ↑	✓	۱۰۳
گوش کن ترجمه راز و نیاز من و توست	عاشق ↑	معشوق ↓	X	۱۰۶
اینقدر پا به پا مکن از دست می‌روم	عاشق ↓	معشوق ↑	X	۱۴۹
لختی عنان بدار که لختی نمانده بیش	عاشق ↓	معشوق ↑	X	۱۵۳

در مثال‌های یاد شده علامت (پیکان به سمت بالا) به معنی بالا بودن جایگاه اجتماعی و علامت (پیکان به سمت پایین) به معنی موقعیّت فرودست در میان طرفین گفت‌وگو است. علامت (تیک) به معنی آن است که رابطهٔ پیام‌رسان و پیام‌گیر (عاشق و معشوق) از سوی دو طرف پیام به خصوص معشوق پذیرفته شده است و علامت ضربدر نشان از رابطه‌ای معکوس دارد و وجههٔ مخاطب یا معشوق به علت نپذیرفتن پیام، تهدید شده است. در مثال نخست که عاشق به خویشتن خطاب می‌کند وجههٔ خود را تهدید نکرده است و در واگویه‌ای درونی ادب کلامی را نسبت به خویش نگه داشته است.

۲- ٦- ادب رفتاری (غیرگفتاری) عشق در برابر معشوق

رفتار و حرکات فرد نیز از دیدگان براون و لوینسون می‌تواند تولید کلام و سخن کند و از طریق این رفتارها، به‌صورت غیرمستقیم ادب بورزیم یا رفتاری خلاف ادب را نشان دهیم (Brown and Levinson,1987:61). شهریار به‌عنوان یکی از شاعرانی که به‌خوبی به زیر و بم عواطف و احساسات معشوق آگاه است می‌داند که جهت ایجاد رابطهٔ عاطفی و احساسی با وی باید بتواند در کنار عوامل و ابزارهای کلامی و زبانی به نوعی از ابزارهای غیرزبانی نیز بهره بگیرد؛ رفتارهایی که نشان از خواهش تمنّاست مانند گریه کردن، عزلت‌نشینی و تنهایی ...

همسایه گفت کز سر شب دوش شهریار تا بانگ صبح نالهٔ مستانه تو بود

(شهریار، ۱۳۷۸: ۲۳۱)

یاد تو یاری شد مرا دایم خموش و شرمگین تا باز می‌آیم به خود یار خموشم می‌رود

(همان: ۲۳۷)

سری به خاک فروبرده‌ام به داغ جگر بدان امید که آلاله بردمم از خاک

(همان: ۲۸۱)

درحقیقت براون و لوینسون بر این نکته تأکید نموده‌اند که جهت ایجاد ارتباط عاطفی ادب‌مند میان متکلم و مخاطب باید از ابزارهای غیر زبانی نیز بهره گرفت چرا که افراد به کمک رفتارهای خود نیز قادر به انتقال پیام هستند. در غزلیّات شهریار چنانکه ملاحظه

[1] جهت بررسی اسلوب جدول (ر.ک عرب یوسف آبادی و ساری، ۱۳۹۸: ۵۱).

شد می‌توان نمونه‌هایی از اشعار و ابیاتی را مشاهده نمود که بیان کننده عجز، تمنّا و خواهش عاشق به درگاه معشوق است. اشک ریختن، ناله سردادن، گوشهٔ عزلت برگزیدن و... هنگام انجام چنین حرکاتی، فرد در حقیقت استعاره‌ای جهتی را در اندیشه و ذهن خود جلوه می‌دهد که در آن معشوق به‌عنوان عنصر قدرتمندتر در رأس هرم و عاشق به‌عنوان عنصر ضعیف‌تر در پایین هرم قرار دارد. شهریار برای آنکه موقعیّت و مقام والای معشوق نزد خویش را به خواننده و مخاطب و حتی خود معشوق در مواردی القا کند، اعمالی را که انعکاس‌دهندهٔ موقعیّت برتر معشوق است از خود نشان می‌دهد. زمزمه کردن با خود زیر لب، نجو کردن و واگویه‌های درونی همه از این نوع هستند:

انزوا:

من از مدارج و آن راه‌های دور و دراز نیافتم مگر این کنج انزوا نزدیک

(همان: ۲۸۲)

گریستن:

غم خضر ما و چشمه‌اش این چشم اشکبار وین چشمه قطره بقا می‌دهد به دل

(همان: ۲۸۵)

۲- ۷- توصیف و بهره‌گیری از گزاره‌های توصیفی در جهت بزرگداشت و رعایت ادب

در بیشتر موارد توصیف و برشمردن صفات فرد هم می‌تواند به دو صورت حالت ندا و منادا و خطابی مستقیم، ظاهر شود و هم می‌تواند به صورت گزارش یعنی ذکر مجموعه‌ای از اوصاف مخاطب مورد توجّه قرار گیرد. گوینده (شاعر) در این حالت گزاره‌های توصیفی را در خصوص معشوق به کار می‌برد؛ از بررسی گزاره‌های توصیفی شهریار در بررسی پیش رو مشخص می‌شود که برخی از گزاره‌ها به‌صورتی بودند که در آن شاعر خود را در مقابل معشوق در مقام پایین‌تر می‌داند و به تجلیل او می‌پردازد و در برخی دیگر از نمونه‌ها با ذکر اوصاف جفاکاری معشوق، شاعر (گوینده) بدون اشاره به جایگاه معشوق و مرتبهٔ او، تنها به توصیف می‌پردازد. از آنجا که در بررسی گزاره‌های موجود تنها آن بخش از توصیفات که جوانب ادب مثبت یا منفی رعایت شده، مدّنظر قرار گرفته است. در روش ادب منفی، گوینده به حالت رسمی و غیرصمیمی با مخاطب به گفتگو می‌پردازد و واژهٔ منفی در اینجا با معنای لغوی همخوانی ندارد. به‌عنوان مثال زمانی که به استاد می‌گوییم: «اجازه دارم خدمتتون برسم؟» طبق نظریّهٔ براون و لوینسون از ادب منفی (غیرصمیمی) استفاده کرده‌ایم و زمانی که به دوست خود می‌گوییم «کی ببینمت؟» از ادب مثبت (صمیمی) بهره گرفته‌ایم. شهریار با استفاده از هر دو سازو کار ادب منفی (رسمی) و ادب مثبت (صمیمی) به توصیف معشوق و بیان ویژگی‌های او پرداخته است؛ در این توصیفات معمولاً خطاب‌ها جهت حفظ وجههٔ مخاطب است. طبق تعریف براون و لوینسون شهریار در هنگام خطاب با توجّه به اهمّیّت و جایگاه ارزشمند معشوق در شبکه و ساختار ذهنی گوینده، از عباراتی استفاده می‌کند که تعریف مناسبی از هویت مخاطب را با خود به‌دنبال دارد و مرتکب کنشی می‌شود که به وجهه رسمی (سلبی) معشوق، لطمه‌ای وارد نمی‌سازد (Brown and Levinson, 1987). در توصیف با ادب منفی (رسمی ـ سلبی):

نرگس مست که چشمش همه شرم و ناز است تا نگاهش به تو افتاده دهانش باز است

افق رنگی دریاچه چشمان تو را اختران غرق تماشا که چه چشم‌انداز است

با تو ای شاهد تبریز سر آرد به سلام سرو نازی که به باغ ارم شیراز است

بازی زلف تو با خنجر ابرو گویی رقص لزگی است که بیت‌الغزل قفقاز است

(شهریار، ۱۳۷۸: ۱۰۶)

اسکندری است یافته سرچشمهٔ حیات خال سیاه او که به کنج لب اوفتد

کلک خط تو نقش بناگوش زد به لب دیباچه چون تمام شود مطلب اوفتد

(همان: ۱۵۳)

در ساز و کار رعایت وجهۀ مخاطب یکی از از عناصر اصلی تهدید وجهه گوینده، پایین آوردن جایگاه خویشتن نسبت به مخاطب (پیام‌گیر) است. در نظر براون و لوینسون، عذرخواهی و به‌نوعی حقیرشمردن خویش از سوی گوینده، به‌عنوان اقدامی در جهت تخریب وجهه گویند به کار می‌رود (Brown and Levinson,1987). در الگوی ادب به کار رفته در غزلیّات شهریار، شاعر تلاش دارد تا هر چه بیشتر موقعیّت و جایگاه خود را ضعیف توصیف نماید و از روی تواضع و خاکساری، معشوق را برتر از خود ببیند و در آخرین مرحله همواره به خواستۀ خویش (طلب وصال) یا گلایه از بی‌وفایی معشوق اشاره نماید:

گر فتادم به سر کوی تو آزرده مشو　　رسم این است که در دامن گل، خار افتد

(شهریار، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

۲- ۸- ادب درخواست

به اعتقاد براون و لوینسون امر کردن از جمله مسائلی است که کنشی تهدید کننده در قبال وجهۀ مخاطب به‌شمار می‌آید؛ از این رو برای جلوگیری از این موضوع باید خواسته به‌گونه‌ای مطرح شود که وجه امری نداشته باشد یا امر در آن کمرنگ و در معنای ثانویه درخواست باشد. شهریار از راهکارهایی برای تلطیف ساختن فضای امری در کلام خویش نسبت به معشوق بهره می‌گیرد. به‌عنوان نمونه امری با معنای ثانویۀ درخواست، پرسش، جملات خبری که حال و روز شاعر را هویدا می‌نماید، همراه بوده و هدف و غرض ثانویۀ آن رساندن خبر است. در خطاب امری در معنی ثانویۀ خواهش به معشوق:

زنهار دستگیری افتادگان کنید　　کاین دست‌ها سپر دفع بلا کنند

(شهریار، ۱۳۷۸: ۲۲۰)

بیا که چند توان انتظار مقدم تو　　قدمزنان به خیابان لاله‌زار کشید

(همان: ۲۴۸)

ماه من چهره برافروز که آمد شب عید　　عید بر چهرۀ چون ماه تو می‌باید دید

(همان)

۲- ۹- پرسش و بیان غیرصریح

طرح درخواست با راهبرد ادب، گاه بیان غیرمستقیم و غیرتصریحی است؛ این شیوۀ بیان غیرمستقیم، کنایی و غیرصریح از دیدگاه براون و لوینسون که در خصوص رعایت ادب مطرح شده است مبتنی بر استفاده از زبان غیرمستقیم، سؤال و پرسش از مخاطب برای بیان خواسته است تا به این ترتیب وجهۀ مخاطب حفظ شود. «استفاده از زبان تلویحی نقش مهمی در تعاملات بین فردی بازی می‌کند. در مکالمه افراد چیزهایی را که به‌صورت غیرمستقیم می‌گویند، علاوه بر آنکه باعث بیان دوپهلو می‌شود، به‌نوعی احترام مخاطب را بیشتر می‌کند» (Grice, 1969: 78). به‌عنوان نمونه سؤالات و پرسش‌هایی که شهریار در مقام احترام و به قصدی غیر از پرسش از معشوق مطرح نموده است.

چه غروری است دراین سلطنت ای یوسف مصری　　که دگر پرسش حال پدر پیر نکردی؟

(شهریار، ۱۳۷۸: ۴۲۱)

ای جگر گوشه کیست دمسازت؟　　با جگر حرف می‌زند سازد

(همان: ۲۱۲)

کجا یار و دیاری مانَد از بی‌مهری ایام؟　　که تا آهی برد سوز و گداز من به یارانم

(همان: ۳۴۲)

۳- نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که شهریار در هنگام صحبت با معشوق، واگویه‌های درونی، گلایه، تحسین و تعریف از ماهیت وجودی معشوق از سازوکار تعظیم و بزرگداشت معشوق و وجه ادب رسمی در بسیاری از اوقات در مقابل وجه ادب دوستانه(مثبت) بهره گرفته است. از دیدگاه براون و لوینسون و نظریهٔ ادب که این دو زبانشناس معاصر مطرح نموده‌اند، در هنگام مطالعهٔ غزلیّات شهریار آن هنگام که روی سخن شاعر با معشوق و صحبت کردن با وی است، تمام تلاش شهریار در بزرگداشت معشوق و حفظ وجههٔ وی می‌باشد تا بتواند جایگاه والای معشوق نزد شاعر را به مخاطب نیز تفهیم نماید. در بخشی از نظریهٔ براون و لوینسون که مربوط به جایگاه گوینده(شاعر یا پیام‌رسان) است، نکتهٔ حائز اهمّیّت آن است که ادب کلامی در شعر عاشقانهٔ شهریار ایجاب می‌کند تا عاشق در برابر معشوق– اعم از معشوق حقیقی و خداوند یا معشوق زمینی و مجازی – جایگاهی برای خود در نظر نگیرد و تمام تلاش و توانش رفتاری و گفتاری خویش را به کار ببندد تا خود را نسبت به معشوق در جایگاه پایین‌تری لحاظ کند؛ حال آنکه طبق نظریهٔ براون و لوینسون در خصوص متکلم، تلاش بر حفظ جایگاه گوینده تا سرحدّ امکان است. در خصوص طرح مستقیم خواسته و امر نسبت به معشوق طبق نظریهٔ مطرح شده اصل بر طرح غیر مستقیم و غرض ثانویه است و مقصود از امر و خطاب در بسیاری از موارد بیان آمرانه در معنای واقعی به منظور خدشه وارد ساختن به معشوق نیست، بلکه با بهره‌گیری از این شیوه، شاعر یکی از راهکارهای تلطیف ساختن فضای غزل و جلب ترحم و توجّه معشوق را مورد توجّه قرار داده است.

منابع

آذرپرند، سهراب. (۱۳۹۸). تغییرات راهبرد زبان خطاب بر اساس نظریهٔ ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی: مطالعهٔ موردی دانشگاه تهران، فصلنامهٔ زبانشناسی اجتماعی۲(۳)، ۸۳ – ۹۸.

درزی، قاسم و دیگران. (۱۳۹۵). الزامات روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، ۱۰(۱)، ۳۵ – ۷۱.

رحمانی، حسین و دیگران. (۱۳۹۵). ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی زبان، ماهنامهٔ جستارهای زبانی، ۷(۵)، ۶۷ – ۹۰.

شهریار، محمدحسین. (۱۳۷۸). دیوان اشعار. ۲ج، تهران: انتشارات نگاه.

عرب یوسف‌آبادی، فائزه و ساری، نسیمه. (۱۳۹۸). ادب‌مندی در مقالات شمس و فیه ما فیه، نشریهٔ علمی ـ پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال سیزدهم، شمارهٔ چهارم، پیاپی ۴۳، ۴۷ – ۵۸.

مقدّسی‌نیا، مهدی و سلطانی، سیّد علی‌اصغر. (۱۳۹۳). کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی ادعیهٔ شیعه، جستارهای زبانی، ۵(۵)، ۲۰۷ – ۲۲۸.

یول، جورج. (۱۳۸۹). کاربردشناسی زبان، ترجمهٔ محمود عموزاده و دیگران. تهران: سمت.

Brown.p, & Levinson. S, (1987). politeness:some universals in Language usage, Cambridge: combridge university press.

Grice, H. P. (1969). Uttelers meaning and Intentions, Philosophical Review, 78(2), 77- 147.